



«رمضانیه» در ادبیات شده است. چنان که حضرت مولانا در مثنوی شریف چنین زیبا مردم را بند می‌دهد:

این دهان بستی دهانی باز شد
تا خورنده لقمه‌های راز شد

لب فروبند از طعام و از شراب
سوی خوان آسمانی کن شتاب

گر تو این انبان زنان خالی کنی
پرزگوهرهای اجلالی کنی

طفل جان از شیر شیطان باز کن
بعد از آنش با ملک انبیا باز کن

چند خورده چرب و شیرین از طعام
امتحان کن چند روزی در صیام

چند شب‌ها خواب را گستی اسیر
یک شبی بیدار شو دولت بگیر

● **شب‌های رمضان با داستان و شعرخوانی سپری می‌شد**

روزه‌داران پیر و جوان پس از تناول افطار، توجه خاصی هم به اوقات فراغتشان در دوره‌های شبانه رمضان داشتند؛ چنان‌که داستان‌ها و روایتگری‌های مذهبی؛ از خواندن «مختارنامه» و «اسکندرنامه» تا داستان‌های «ابراهیم ادهم»، «امیرحمزه» و «ابومسلم» بین مردم مرسوم بوده است و نقالان در این ماه نقش پررنگی داشته‌اند. این روایتگری‌ها در برخی از مناطق کشور همراه با دوتارنوازی بوده و در نقاطی هم با زدن تنبور یا نی به شکلی آوازگونه روایت می‌شده است.

مردمی تبدیل می‌شود و آوازهای سحر پیش از اقامه اذان صبح در کشور گسترش می‌یابد. به بیانی دیگر، وقتی اسلام به ایران آمد، مردم مناسک و مراسم اسلام در ماه رمضان را نمی‌دانستند، بنابراین از آوازهای کهن برای سحرخوانی و بیدار کردن مردم برای روزه‌داری استفاده می‌کردند. به گفته هوشنگ جاوید، اجرای مناجات‌های سحر هم با آدابی خاص و موسیقی همراه بوده است که مجریان آن (عه‌ای خاص مشتمل بر سه تا چهار نفر که صدایی خوش داشتند)، دو ساعت پیش از سحر به بام خانه‌ها یا گلدسته‌ها می‌رفتند و با توجه به امکاناتشان نقاره، سرنا، کرنا و... می‌نواختند و اگر این سازها را نداشتند، فقط آواز سر می‌دادند تا مردم از زمان سحر مطلع شوند.

این آیین رموز مخصوص خودش را هم داشته به طور مثال، ضرب آهنگ نقاره‌ها به گونه‌ای بوده که مردم از روی ضرباتی که در مراحل اول، دوم و سوم نقاره‌زنی زده می‌شد یا تند و کند نواختنشان متوجه می‌شدند که مرحله دوم نقاره‌زنی است یا مرحله سوم. دست سوم نقاره‌زنی در نزدیکی زمان دعا و اذان صبح نواخته می‌شد و هر کسی در آن زمان بیدار می‌شد، می‌دانست که باید هر چه سریع‌تر سحری بخورد.

سحرخوانی هنوز در برخی از نقاط ایران همچون غرب کشور دیده می‌شود؛ چنان‌که یک نفر دف می‌زند و شعرهایی در وصف رمضان می‌خواند تا مردم را برای سحر بیدار کند.

گسترش سحرخوانی و
مناجات خوانی رمضان
بر ادبیات هم تأثیر
خودش را گذاشته
است؛ چنان که
امروزه «سحوریات»
یکی از شاخه های
شعرشناسی در ادبیات
فارسی است و می توان
شعرهای بی شماری از
شاعران مطرح کشور
همچون سعدی، حافظ
و مولانا خواند که ویژه
سحر است

● «سحوریات» یکی از شاخه‌های ادبیات فارسی

آوازه‌های خبری و بیدارسازی در سحرهم تنوع خاص خودش را در اقصی نقاط ایران دارد و بسته به تغییر زبان در اقوام مختلف شاهد تفاوت‌های لهجه‌ای، نغمه‌ای، لحنی و ادبی در آن‌ها هستیم.

گسترش سحرخوانی و مناجات خوانی رمضان بر ادبیات هم تأثیر خودش را گذاشته است؛ چنان که امروزه «سحوریات» یکی از شاخه‌های شعرشناسی در ادبیات فارسی است و می‌توان شعرهای بی‌شماری از شاعران مطرح کشور همچون سعدی، حافظ و مولانا خواند که ویژه سحر است.

همچنین سرودن شعرهایی با موضوع و نشانه‌های رمضان موجب پیدایش